

«چه کسی "گرنیکا"ی لبنان را ترسیم خواهد کرد؟»

نامه ای از ۱۸ نویسنده

هر اقدام تحریک آمیز و هر پاسخ متقابل آن، مورد اعتراض و همچنین موعظه قرار می‌گیرد. اما بحث‌هایی که در می‌گیرد، اقداماتی که مطرح می‌گردد و قول‌هایی که داده می‌شود همگی به عنوان سرگرمی و به منظور منحرف کردن اذهان جهانیان از یک مسئله به کار گرفته می‌شود، و آن عبارتست از مجموعه اقدامات بلندمدت نظامی، اقتصادی و جغرافیایی که هدف سیاسی آنها چیزی کمتر از محو ملت فلسطین نیست.

این مسئله باید با صدای بلند و به صورت آشکار بیان شود، زیرا که آن اقدامات که غالباً پوشیده و فقط بخشی از آنها اعلام شده هستند، در این روزها با سرعت به پیش برده می‌شوند. ما معتقدیم که واقعیت آن اقدامات باید به طور مستمر و بلاوقفه شناخته و شناسانده شده و در برابر آنها مقاومت شود.

بعداالتحریر: همان گونه که «جولیانو مرخامس»، کارگردان فیلم مستند «بچه‌های آرنا»، پرسیده است: «چه کسی "گرنیکا"ی لبنان را ترسیم خواهد کرد؟»

جان برگر، هارولد پیتر، ادواردو کالتانو، نانومی کلاین، چارلز گلاس، گر ویدال، تامس کینلی، کارولین فورسه، جسیکا همدورن، نوآم چامسکی، خوزه ساراماگو، آرون‌داتی روی، هوارد زین، ریچارد فالک، راسل بنکز، کریس ابانی، مارتین اسپادا، تونی موریسون

سیستماتیک منابع طبیعی و خصوصاً منابع آب آن به وسیله نیروهای دفاعی (!) اسرائیل به عنوان واقعیتهای هرچند تأسفبار از زندگی روزمره به حساب آورده می‌شود، نمونه‌ای متعارف از استانداردهای دوگانه غرب است که در برخورد به سرنوشت فلسطینیان مکرراً به کار گرفته می‌شود، سرنوشتی که در سرزمینی که بر اساس توافقات بین‌المللی به آنها اختصاص یافته است طی هفتاد سال گذشته بدان دچار شده‌اند.

امروزه افراطی‌گری به دنبال افراطی‌گری می‌آید. موشک‌های دست‌ساز فلسطینی‌ها با موشک پیچیده و مدرن اسرائیل تلافی می‌کنند. این موشک‌های نوع دوم، معمولاً هدف‌های خود را در جایی می‌یابند که انبوه تهی‌دستان و محرومان روزگار خود را سپری می‌کنند. در انتظار آنچه که زمانی "عدالت" خوانده می‌شد. هر دو نوع موشک‌ها، بدن‌ها را به طرز دهشتناکی تکه پاره می‌کنند. چه کسی به غیر از فرماندهان جبهه‌های جنگ می‌تواند آن صحنه‌ها را برای لحظه‌ای فراموش نماید؟

هجده تن از روشنفکران و نویسندگان معروف، که سه نفر آنها از جمله برندگان جایزه نوبل ادبیات هستند، نامه سرگشاده‌ای راجع به جنگ اسرائیل و فلسطین و لبنان نوشته‌اند که در بسیاری از روزنامه‌های معتبر جهان، مانند "لوموند" (فرانسه)، "ال پائیس" (اسپانیا)، "ایندپندنت" (انگلستان) و "لاروبلیکا" (ایتالیا) به چاپ رسیده است. ترجمه این نامه ذیلاً از نظر خوانندگان می‌گذرد.

آخرین فصل مناقشه اسرائیل و فلسطین هنگامی آغاز شد که نیروهای اسرائیلی، دو غیرنظامی فلسطینی، یک دکتر و برادرش را، در غزه، ربودند. این حادثه، به استثنای مطبوعات ترکیه‌ای، در جایی منعکس نشد. روز بعد، فلسطینی‌ها یک سرباز اسرائیلی را به اسارت گرفتند و پیشنهاد مذاکره برای مبادله او با کسانی که به وسیله اسرائیل به اسارت گرفته شده‌اند را مطرح کردند. حدود ده هزار زندانی فلسطینی در زندان‌های اسرائیل بسر می‌برند.

این امر که «آدم ربایی» توسط فلسطینی‌ها یک اقدام افراطی تلقی می‌شود، در حالی که اشغال نظامی غیرقانونی ساحل غربی رود اردن و تصاحب

جنگ با مطبوعات

جمهوری اسلامی ۴ روزنامه

و نشریه دیگر را بست!

هیات نظارت بر مطبوعات که به شکل غیر رسمی به مثابه عامل سیاست‌های حکومت جمهوری اسلامی عمل می‌کند، دستور توقیف روزنامه شرق و سه نشریه خاطره، حافظ و نامه را صادر کرد. علت توقیف، تکرار همان دلایل نخ‌نمایی است که حکومت برای تعطیلی دهها روزنامه و نشریه توقیف شده بدان متوسل شده است. اتهام این ۴ روزنامه و نشریه، همان جمله تکراری "نشر اکاذیب" و "توهین به مقامات جمهوری اسلامی" است.

حمله به روزنامه‌ها، بستن و تعطیلی نشریات و دستگیری روزنامه نگاران عمری به درازای عمر حکومت جمهوری اسلامی دارد. از این رو توقیف این ۴ نشریه نیزچندان تعجبی بر نمی‌انگیزد و کار جدیدی نیست. آنچه شاید بتوان آن را جدید دانست، ابعاد و گستره تهاجم و تنگی محدوده‌هایی است که روزنامه‌ها در آن مجاز به سخن گفتن شده‌اند. اگر تا دیروز اظهار نظر در مورد رهبر جمهوری اسلامی و تعدادی از مقامات ممنوع بود، امروز

بسیار آموزنده‌ای فراگرفته‌اند. حکومت می‌تواند مطبوعات و نشریات را به طور موقت توقیف کند، اما نمی‌تواند تلاش مردمی را که یاد گرفته‌اند با استفاده از همه وسائل ممکن سد سانسور حکومتی را درهم بشکنند، متوقف نماید.

کمیته مرکزی سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران ضمن محکوم کردن تلاش‌های مذبوحانه حکومت در سد نمودن گردش آزاد اخبار و اطلاعات و اندیشه و از جمله توقیف معدود مطبوعات غیر دولتی در کشور، تمامی سازمانها و نهادهای سیاسی و مدنی و انسان‌های آزاده را فرا می‌خواند که از هر طریق ممکن به مقابله با حکومت سانسور برخاسته و خواستار آزادی انتشار مطبوعات و فعالیت آزادانه روزنامه نگاران در ایران گردند.

ما بستن روزنامه شرق و نشریات دیگر را در بحبوحه مذاکرات اتمی و در این برهه حساس نشانه‌ای از تلاش حکومت برای معامله بر سر منافع مردم ایران و اقدامی در کتمان بیشتر بند و بست‌های آتی آن با دول دیگر می‌دانیم و نسبت به هر گونه سازشی بر سر حقوق اساسی مردم ایران و چشم بستن مجامع بین‌المللی بر نقض حقوق بشر در کشورمان هشدار می‌دهیم.

کمیته مرکزی سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران
سه شنبه ۲۱ شهریور ۱۳۸۵ برابر ۱۲ سپتامبر ۲۰۰۶

انتقاد به پادوهای دست چندم این حکومت نیز با مجازاتی در حد توقیف نشریه مواجه می‌شود. فشار بر مطبوعات غیرحکومتی تا بدان اندازه افزایش یافته که حتی روزنامه شرق که بسیار محتاطانه عمل می‌کرد و در اغلب موارد در چارچوب‌های تنگ حکومت متوقف مانده بود نیز، از زیر تیغ پادوهای حکومتی در امان نماند.

آنچه که این روزها حکومت را به یورش به مطبوعات و سوسه می‌کند وضعیت پرونده اتمی جمهوری اسلامی و سیاست‌های ایران بر باد ده و ماجراجویانه حکومت در این رابطه است. سران حکومت اسلامی از انتشار خبر و صدائی متفاوت با صدای خود در میان مردم در هراس‌اند. آنها عزم جزم‌تر کرده‌اند که از رسیدن امواج خبرها و اطلاعات متفاوت به گوش مردم، جلوگیری به عمل آورند. حمله به آنتن‌های ماهواره‌ای، تعقیب و تعطیل کردن وبلاگ‌ها و بازداشت وبلاگ‌نویسان، فیلتر کردن سایت‌ها و بستن روزنامه‌ها و نشریات با این هدف انجام گرفته و ادامه پیدا کرده است.

همچنین جناح حاکم جمهوری اسلامی مصمم شده است که کنترل کامل مجلس خبرگان و انتخابات شوراها، شهر و روستا را به چنگ آورد که لازمه آن بی‌خبر گذاشتن مردم و ایجاد جو رعب و وحشت در میان روشنفکران و اقشار آگاه مردم ایران است. اما مردم ایران به بهای تجربه تلخی که طی حکومت همین جمهوری اسلامی به دست آورده‌اند، امروز درس‌های